



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

خود انقادی از منظر

روایات

امام علی

نویسنده: مهدی عارفی جو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خود انتقادی از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

مهدی عارفی جو

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	خود انتقادی از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام)
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۸	معناشناسی انتقاد
۸	مفهوم شناسی انتقاد
۹	گونه شناسی انتقاد و خودانتقادی
۱۰	ارزش و جایگاه انتقاد و ضرورت خودانتقادی
۱۲	فرهنگ نقد پذیری و پذیرش انتقاد از خود
۱۲	فرآیندی خودانتقادی و محاسبه نفس
۱۲	اشاره
۱۳	مشارطه
۱۳	مراقبه
۱۳	محاسبه
۱۳	معاتبه
۱۳	معاقبه
۱۴	روش شناسی خودانتقادی
۱۴	اشاره
۱۴	استمداد از خدا
۱۴	محاسبه واجبات
۱۴	محاسبه گناهان
۱۴	نگاشتن حساب ها

۱۵	موارد خودانتقادی و محاسبه
۱۵	اشاره
۱۵	حق الله
۱۵	حق الناس
۱۶	نگاهی به چند حدیث درباره محاسبه نفس و خودانتقادی
۲۴	اثرات و کارکردهای خودانتقادی
۲۴	وقوف بر کاستی‌ها
۲۴	اصلاح خویش
۲۵	کسب کمال
۲۵	خوشبختی
۲۵	حسابرسی آسان در قیامت
۲۵	افزایش حسنات و آمرزش گناهان
۲۵	مستولیت پذیری و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی:
۲۶	نتیجه‌گیری
۲۶	منابع
۲۸	منابع لاتین:
۲۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## خود انتقادی از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام)

### مشخصات کتاب

نویسنده: مهدی عارفی جو

### چکیده

انتقاد در لغت به معنای بهین گزیدن چیزی و تشخیص سره از ناسره است و حرکتی است اصلاح گرانه، با قصد پالایش و زنگار زدایی و نجات حقیقی چیزی از نفوذ باطل که گاه می تواند ممدوح یا مذموم باشد. خودانتقادی که از آن با تعابیر محاسبه نفس، خودارزیابی و خود کنترلی نام می برند در واقع واکنشی است نسبت به رفتار و افکاری که خویشتن مرتکب آن می شود که می تواند شایسته یا غیر زبینه باشد. از مجموع روایاتی که در باب خودانتقادی و محاسبه نفس وجود دارد می توان به اهمیت آن پی برد چه اینکه حضرات آل الله در سخنان خویش آن را مایه سعادت، شرط ایمان و تقوی و آسانی محاسبه در روز قیامت برشمرده اند. این عمل اثرات متعددی در فرد و جامعه دارد که در یک نگاه کلان می توان آن را مایه مسئولیت پذیری فرد و جامعه و کاهش ناهنجاری ها دانست.

واژگان کلیدی: روایات اهل بیت، خودانتقادی، محاسبه نفس، ارزیابی و کنترل، مسئولیت پذیری، کاهش ناهنجاری ها

### مقدمه

همه موجودات به سوی کمالی که برایشان در نظر گرفته شده است، در حرکتند و همه شرایط و امکانات لازم برای رسیدن به کمال، از سوی خالق دانا برایشان پیش بینی شده و در اختیارشان قرار گرفته است. اما همه آن ها به جز ایشان، نه علم به هدف دارند و نه راه را خود انتخاب کرده اند، بلکه این خداوند حکیم است که جهان هستی را این گونه تنظیم کرده است که هر موجودی به سوی غایت نهایی خود رهسپار باشد و چاره ای جز این ندارند، چنان که قرآن می فرماید: «... رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰) اما انسان موجودی است مختار، که می تواند سعادت و شقاوت خود را، شخصا از طریق برگزین راه هدایت یا ضلالت انتخاب کند؛ که یا نسبت به به نعمات الهی بالاخص هدایت «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» (اعلیٰ/۲ و ۳) شاکر است و یا راه کفران را پیش می گیرد «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳). از دیگر سو چون او فطرت و ذاتش خدایی است «نفخت فیهِ من روحی؛ فطرت الله الّتی فطر الناس علیها» (حجر / ۲۹؛ روم / ۳۰) و خدا نیز او را بیهوده و رها و بی تکلیف نیافرید و برایش کمال قرب و منزلت را قائل شده؛ او به دنبال خوبی ها، زیبایی ها و کمالات است و تلاش او در طول زندگی رسیدن به کمال جاودانگی است. لکن او در مسیر حرکتش به سمت کمال با موانعی چون شیطان و نفس اماره رو به رو است که باید خود را برای مبارزه با آن ها آماده کند که یکی از راه های امادگی بنابر فرموده علی (علیه السلام) محاسبه نفس و خودانتقادی است. انسان باید در خود احساس مسئولیت را پرورش دهد و همواره خود را مسئول بداند؛ در نتیجه هرگز خود را به کمتر از بهای لقاء پروردگار و یا بهشت ابدی نفروشد که در غیر این صورت به یقین از زیان کاران خواهد بود.

امام سجاد (علیه اسلام) درباره مسئولیت انسان در قبال خویش می‌فرماید: نیروهای خود را تنها در پیروی از روش خدایی به کار گیر و تا آخرین حد توانایی خود، وجودت را به کمال برسان تا اطاعت گر خدا باشی و نسبت به هر یک از اعضای خودت که خدا آن‌ها را وسیله کمال تو قرار داده حق آن‌ها را ادا کنی و از خداوند در این راه یاری طلبی.

یقیناً نماد انسانیت و عشق و مهرورزی آدمی به داشتن مسئولیت و وفای به عهد است؛ کمال آدمی به کمال مسئولیت بستگی دارد و اشخاصی که مسئولیت‌پذیری بیشتری داشته باشند به کمال مطلوب تری خواهند رسید.

بنابر این، انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا بر روی زمین است اما دستیابی به این مقام به سادگی میسر نمی‌باشد بلکه تلاش و ممارست بسیاری را می‌طلبد.

### معناشناسی انتقاد

: «انتقد الشعر علی قائله: لغزش شعر را بر شاعر آشکار کرد»؛ «انتقد الکلام: عیوب و محاسن سخن را آشکار کرد»؛ (بستانی، ۱۳۷۰: ۱۴۱)

انتقد الدرهم: اخراج منها الزیف... یعنی درهم‌های ناخالص را از مجموعه آن جدا کردن و به دقت نگرستن تا خوب و پست آن از هم شناخته شوند؛ ناقده: ناقشه فی الامر یعنی نقد کسی به معنای مناقشه کردن با او درباره چیزی است و نقد سخن، اظهار کردن عیب‌ها و محاسن آن است. (جوهری، ۱۳۹۹ ق: ذیل ماده نقد، فیروزآبادی، ذیل همان؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش: ۱۵۱؛ معلوف، ۱۳۶۳: ذیل ماده نقد؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۰۱)

از مجموع کلمات لغویان، استفاده می‌شود که انتقاد، حرکتی است اصلاح‌گرانه، با قصد پلایش و زنگار زدایی و نجات حقیقی چیزی از نفوذ باطل در حریم آن و برگرداندن طبیعت شخص و یا امری از آمیختگی به ناخالصی و غش، به سوی خلوص و فطرت ناب آن و نقد در لغت به معنای بهین‌گزیدن چیزی است (بیهقی، ۱۳۷۵ ش: ۵).

عیب جویی نیز که از لوازم به‌گزینی است، ظاهراً از قدیم در اصل کلمه نقد مستتر بوده و لذا از دیرباز این کلمه در مورد شناخت محاسن و معایب کلام به کار رفته و لفظی که امروزه در فرهنگ اروپایی جهت این معنی به کار می‌رود در اصل به معنی رای زدن و داوری کردن است و بی‌شک رای زدن و داوری کردن درباره نیک و بد امور و سره از ناسره آن‌ها مستلزم معرفت درست و دقیق آن امور است (زرین کوب، ۱۳۷۱ ش: ۲۲).

انتقاد عبارت است از سره کردن، سره گرفتن، بیرون کردن درهم‌های ناسره از میان درهم‌ها، آشکار کردن عیب قائل آن و گاه از دانه جدا کردن (دهخدا، ۱۳۷۷ ش: ۱۰۹)؛ نقد، یافتن و نشان دادن است تا اگر کسی خواست راهش را بیابد و اگر نخواهد عذری نداشته باشد (صفایی حائری، ۱۳۸۶ ش: ۱۵-۱۶)

و در اصطلاح، واری و بررسی نوشتار، گفتار یا رفتاری برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی، بایستگی و نبایستگی، بودها و نبودها و درستی و نادرستی آن‌هاست (شریفی، ۱۳۸۵ ش: ۸۲-۸۴).

بنابر این، قوه نقد و انتقاد، به معنای عیب‌گرفتن نیست بلکه انتقاد یعنی یک شی را در محک قراردادن و به وسیله محک زدن به آن، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است (مطهری، ۱۳۶۸ ش: ۱/۲۸۵)

نتیجه: نقد و انتقاد در لغت به معنای ارزیابی، بررسی، شناسایی نمودن، زیر و رو کردن، عیب‌ها را نمایاندن، پنهان‌ها را روکردن است.

### مفهوم شناسی انتقاد



: انتقاد فرآیندی پیچیده، مهم، ضروری و قدرتمند است؛ پیچیده است چون کلماتی که برای انتقاد به کار می‌رود در حالات روحی و ماهیت روابط ناقد و منقود تاثیر فراوان دارد.

انتقاد مهم است چون عملکردها و موقعیت‌هایی که ارزش انتقاد کردن دارند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند چه اینکه رفتار و عملی مورد نقد قرار می‌گیرد که احتمال تاثیر بر نتیجه و بازده کار و رفتار وجود داشته باشد.

علت قدرتمندی انتقاد را باید در نقش تقویتی یا تخریبی آن بر رفتار و عمل و نیز برانگیختن احساسات افراد جستجو کرد. بنابر این، هدف از انتقاد تبادل اطلاعات، تاثیر گذاشتن و برانگیختن است.

نقد به یک اثر و یا رفتار فرد کمک می‌کند تا اعتبار یابد چه اینکه هرگاه از یک اثر یا رفتار انتقاد می‌شود عمدتاً منجر به اصلاح نقاط ناشایست شناسایی شده می‌شود.

هگل تاریخ بشر را به منزله پیشرفت آگاهی او در نظر می‌گیرد و عقیده دارد که این خودآگاهی، قیود موجود اجتماعی را دائماً دگرگون می‌کند و پیوسته در حدود آن فراتر می‌رود؛ پس در نگاه هگل، انتقاد، چیزی بیشتر از قضاوت منفی است و نقش مثبت، کشف و برملا کردن اشکال موجود معتقدات به خاطر تقویت تعالی انسان‌ها در جامعه است (آبرکرامبی، ۱۳۷۰ش: ۹۷). اما در نظر مارکس مفهوم انتقاد، تنها نوعی قضاوت ذکاوت‌آمیز منفی در باب دستگاه‌های ایدئولوژیکی اندیشیده نبود، بلکه فعالیتی بود که صفات عملی و انقلابی داشت لذا انتقاد در مفهوم مارکسی آن با پراکسیس ملازمه پیدا کرد و این بدان معنا است که انتقاد هوشمندانه تنها ضمن فعالیت انسان‌ها در جامعه می‌تواند فعالیت کامل پیدا کند (آبرکرامبی، ۱۳۷۰ش: ۹۸).

نقد و انتقاد موجب پویایی جامعه بشری و موتور حرکت جوامع است؛ هدف از نقد تشخیص و انتقال نقاط قوت و ضعف هرگونه تفکر و رفتار انسانی به نحوی که بتوانند آن را در جهت مصالح و پیشرفت و رشد خود به کار ببرند می‌باشد. در واقع دغدغه انتقاد در جامعه، حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. بنابر این مساله خطاپذیری انسان و کامل نبودن وی سبب مطرح شدن بابی چون انتقاد و انتقادپذیری می‌شود. (اسلامی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۷-۱۱۶)

پیش‌تر نیز اشاره شد که درباره خودانتقادی از تعابیری چون محاسبه نفس نیز استفاده می‌شود؛ محاسبه به معنای حسابرسی انسان است اگر حسابگر خوبی نباشد پیشرفت نخواهد کرد؛ بی‌مبالاتی موجب عقب ماندگی و فقر و تهیدستی خواهد شد. حسابگری حاکی از نظم و عدالت و انضباط است که عوالم هستی بر مبنای آن قوام یافته است «بالعدل قامت السموات و الارض» (طوسی، ۱۴۷)

### گونه‌شناسی انتقاد و خودانتقادی

انتقاد گاه ممدوح و سازنده است و می‌تواند عامل رشد و تعالی فرد و جامعه و پالایش و زنگارزدایی از پیکره عظیم اجتماع، با اتخاذ روشی متناسب و شایسته در گفتار و کردار و ضمن احترام به شخصیت مخاطب انجام می‌گیرد و در آن انگیزه ناقد سازنده، شناسایی حق و رسیدن به آن است. هدف این نوع انتقادات معمولاً رسیدن به کمال مطلوب است.

این نوع انگیزه‌ها بر پایه علم و دانش و منطق استوار است و ناقد، نیت درستی و سازندگی دارد.

ناقد مخرب انگیزه‌اش را می‌توان در جوسازی و شایعه‌پراکنی، خودنمایی یا نمایش، سوءاستفاده‌ها و عقده‌های شخصی دانست. ناقد در این موضع از حق و حقیقت دور می‌شود.

درانتقاد مخرب، تحریف و تخریب شخصیت، جایگزین تکمیل گردیده و تحقیر به جای تکریم نشست است و به انگیزه افساد و ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه و کاشتن بذر کینه و نفاق و با روشی نامناسب صورت می‌گیرد. یکی از واژه‌هایی که به معنای انتقاد سالم است نصیحت می‌باشد که از واژه‌های پُر کاربرد قرآنی و روایی است.

نصیحت از ماده نَصَح و نَصَح گرفته شده است؛ نَصَح به معنای خالص کردن است و نَصَح به معنای خلوص و بی غل و غش بودن است. بنابراین ناصح، کلام و عمل خود را از هر ناخالصی پاک نموده و انگیزه‌ای جز خیر خواهی ندارد و نیز بدون هیچ غرض شخصی و صرفاً برای منافع و مصالح فرد یا جمع اقدام می‌کند.

همان طور که اسلام به نصیحت، انتقاد، تحقیق و تفحص اصرار می‌ورزد، از حفظ کرامت انسانی و مصلحت عمومی نیز دفاع می‌نماید؛ از این رو برای نقد و انتقاد، مرزهای مشخصی را تعیین کرده تا هیچ فردی به گمان آزادی انتقاد، حرمت شکنی نکند و نیز به عیب جویی و تحقیر افراد نپردازد.

از همین رو در آیات و روایات بسیاری از عیب جویی و سرزنش مومن، به شدت نهی شده است؛ در مقابل عیب جویی، عیب پوشی است و در فضیلت و شرافت آن همین بس که یکی از اوصاف خدای سبحان است که ستار العیوب می‌باشد (نراقی، ۱۳۶۶ش: ۳۶۰) البته با انتقاد از نظر ریشه و هدف متفاوت هستند چه اینکه ریشه عیب جویی در کینه و عداوت است که فرد تلاش می‌کند به آشکار نمودن عیوب دیگران و رسوا نمودن آن‌ها و نیز به علت طغیان قوه شهوت فرد بدون اینکه از کسی کینه و حسدی داشته باشد به دنبال لغزش‌های و عیوب آن‌هاست و در این قوه نوعی پستی و زبونی پدید می‌آید که فرد بیمار از آشکار شدن زشتی‌ها و عیوب دیگران شاد می‌شود و در نهایت بدگمانی عامل دیگری بر عیب جویی و بدگویی است (حقانی زنجانی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۷).

بنابر این، تفاوت انتقاد و عیب جویی را می‌توان در دو محور خلاصه نمود، خاستگاه انتقاد نوع دوستی و عواطف انسانی و تعهد ایمانی است در حالی که منشاء عیب جویی صفات رذیله‌ای است که پیشتر بیان گردید و نیز هدف عیب جو آزار دهی و تخریب شخصیت و در هم شکستن طرف مقابل است در حالی که غرض انتقاد گر، اصلاح و زدودن عیوب و رو به کمال بردن شخص مورد انتقاد است.

## ارزش و جایگاه انتقاد و ضرورت خودانتقادی

در آموزه‌های دینی واژه‌های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع حسن، توأسی به حق، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر هر یک به گونه‌ای، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می‌کند.

امام کاظم (علیه السلام) در وجوب حق انتقاد و دعوت به خیر برای مسلمانان می‌فرماید: «از واجب‌ترین حقوق برادرت این است که او را به خیر متوجه کنی و هیچ چیزی را که برای دنیا و آخرت مفید است از او پنهان نداری (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۸/۳۳۲) و نیز امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که برادرش را در حال انجام عمل ناپسند ببیند در حالی که می‌تواند او را از این کار بازدارد و سکوت کند و از او انتقاد نکند به او خیانت کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۱/۱۹) و امام باقر (علیه السلام) نیز فرموده اند: «از پی کسی رو که تو را می‌گریاند، عیب را تذکر می‌دهد و خیرخواه توست» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۲/۲۱۰).

در اهمیت انتقاد همین بس که امام کاظم (علیه السلام) آن را جزء برنامه‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی می‌داند و می‌فرماید: «کوشش کنید چهار برنامه مشخص داشته باشید فسمتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای امرار معاش، قسمتی برای هم نشینی با برادرانی که مورد اعتمادند و عیوبتان را خالصانه با زبان ابراز می‌دارند و ساعتی را نیز به جلب لذایذ مشروع خود اختصاص دهید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۵/۳۲۱).

امیرمومنان نیز در این باره بیانات متعددی در نهج البلاغه دارند که از جمله می‌توان به «شَرَّ اخوانک من داهنک فی نفسک و ساترک عیبک» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۱۸)؛ «من ساترک عیبک فهو عدوک» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۱۸)

اشتباه و گناه در گفتار و رفتار غیر معصوم راه پیدا می‌کند، بنابراین، انتقاد گری و انتقادپذیری از نیازهای یک مومن برای اصلاح

گفتار و رفتار در راه تقرب به خدا است. ارزش انتقاد سازنده و نصیحت مشفقانه به حدی است که امام علی (علیه السلام) آن را از جمله حقوق حاکم اسلامی بر مردم می‌داند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: خ ۳۴). نقد و انتقاد صحیح از آن روی مورد تأکید است که اگر شاخص‌ترین ویژگی آن را اندیشیدن او بدانیم بی‌گمان کارسازترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل در تولید، شکوفایی و گسترش این ویژگی، ارزیابی و نقد و بررسی است (کلاتری، ۱۳۸۵ ش: ۲۴۹-۲۵۱).

امام صادق (علیه السلام): «بهترین دوستان در نزد من کسانی هستند که عیوب و نواقصم را به من هدیه دهند. (حر عاملی، ۱۴۰۱ ق: ۴۱۳).

درباره ضرورت خود انتقادی، باید گفت که آموزه‌های قرآنی بیان می‌کند که شخص مومن می‌بایست به محاسبه نفس و خودانتقادی اقدام کند.

انسان‌ها به جهت رفتارها و عملکردها و عکس‌العمل‌های گوناگونشان گاهی مورد ملامت نفس قرار می‌گیرند و انسان باید پیش از آنکه به کاستی و عیوب دیگران توجه کند، در جستجوی زدودن عیوب خویش باشد و اگر همگان به فکر نقد خویش برآیند، زمینه نقد اجتماعی کمتری پیدا می‌شود و در نتیجه پاره‌ای از تنش‌ها و تشنج‌ها، به خودی خود از بین می‌رود و مانع بسیاری از نقدهای ویرانگر می‌گردد.

در احوال عرفا و علمای بزرگ آمده است که اغلب آن‌ها در سکوت شب، خود را به نقد می‌کشیدند و گاهی در یک محل خلوت و نیز جایی شبیه قبر می‌رفتند و اعمال و نیات روز خود را به دقت مورد واری قرار می‌دادند. آنان با استفاده از نفس لوامه در واقع به توصیه قرآن و عترت در مورد محاسبه نفس عمل می‌کردند.

خود انتقادی در واقع، رفتار صادقانه انسان با خویش است که آثار تربیتی، اجتماعی، روحی و روانی فراوان دارد. علی (علیه السلام) در دو سخن گوهر بار می‌فرماید: «طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب النفس؛ من لم یسس نفسه اضاعها» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۸۹).

خودانتقادی که همانا محاسبه نفس است یکی از بهترین روش‌های برای در اختیار گرفتن عنان نفس است، بدین صورت که انسان اعمال و رفتار خود را در هر شبانه روز مورد ارزیابی قرار دهد و مشاهده کند که در شبانه روز چند درصد وقتش صرف امور غریزی گردیده و چند درصد صرف امور اخروی (مصباح یزدی، ۱۳۸۰ ش: ۲۰۵).

مساله خودانتقادی ارتباطی تنگاتنگ با اعتقاد و ایمان دارد؛ هر چه ایمان به خدا و رستاخیز در افراد قوی تر باشد محاسبه نفس نقش پُر رنگ‌تری در تربیت دینی او می‌یابد؛ زیرا شریعت آسمانی و مبانی اعتقادی آن، آدمی را به حساب رسی از خویش و آمادگی برای پاسخ‌گویی روز جزا ترغیب می‌کند و بر عکس، کافران و کسانی که ایمان ضعیف دارند، با دور ماندن از حقیقت توحید و معاد و بیگانگی با دین، از خودانتقادی نیز غفلت کرده و گرفتار زیانی سخت می‌شوند چه اینکه باور به روز قیامت زمانی در شخص ظهور می‌کند که اندیشه حسابرسی آن روز، موجب تکاپوی او در حسابرسی از نفس خود گردد که «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا» عالی‌ترین مظهر عقل و تربیت صحیح، خطایابی از خویشتن است.

از بشر انتظار اینکه خطا نکنند، بی‌معنا است چه اینکه او جایز الخطا می‌باشد بلکه باید از او انتظار داشت تا خطاهای خود را تکرار نکند.

محاسبه، حساب رسی و بازنگری نسبت به گذشته است که باید هفت مورد در آن رعایت گردد: ۱- تقدیر و اندازه‌گیری ۲- اصل و مسئولیت‌پذیری ۳- اصل بقای عمل ۴- اصل ثبت اعمال ۵- اصل حسابرسی و بازخواست ۶- اصل مجازات و بازتاب عمل ۷- اصل توبه و جبران.

در آیه ۱۸ حشر درباره لزوم حسابرسی به اعمال خویش می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا

الله « در این آیه دو بار بر تقوی الهی تاکید شده تا انسان را بیدار گرداند .

شگفت که این مسئله را با محاسبه نفس و خودانتقادی ارتباط می دهد تا انسان خود به ارزیابی اعمال خویش برای فردای قیامت اقدام کند . در همین آیه این مطلب بیان می شود که تقوی می تواند زمینه ساز مراقبت فرد شود و میان تقوا و علم به حسابرسی و مراقبت، ارتباط محکم و استواری ایجاد می شود .

محاسبه نفس امری است که در قیامت نیز ادامه خواهد داشت و خداوند خود انسان را به محاسبه خویش مامور می سازد تا به حکم « بل الانسان علی نفسه بصیره ولو القی معاذیره » خود به محاسبه آگاهانه از خویش بپردازد.

آنگاه که نامه اعمال هر کسی را به دست وی می سپارند از او می خواهند که خود به ارزیابی و محاسبه اعمال خویش بپردازد و داوری کند ؛ زیرا هر کسی به اعمال خویش آگاه تر است « اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا » (اسراء/۱۴)

### فرهنگ نقد پذیری و پذیرش انتقاد از خود

تردیدی نیست که تمام انسان ها و اقشار جامعه به نقد و انتقاد سالم و سازنده نیازمند هستند لکن این مهم بخشی از بحث است و نیم دیگر که در واقع تکمیل کننده آن است ، نقد پذیری و به کار بستن ناقدان است .

علی (علیه اسلام) می فرماید : « بزرگترین توفیق ها پذیرش نصیحت (قبول و عمل کردن) است (محمدی ری شهری ، ۱۳۸۷ ش : ۱۲/۲۲۰) ایشان در سخنی دیگر می فرمایند : « کسی که اهل پذیرش سخن حق و اصلاح است ، از تباهی نجات می یابد و از رسوایی در امان می ماند » (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق : ۵/۲۷۷) .

مقصود از روحیه نقد پذیری ، ظرفیت شنیدن هر نقدی است که متوجه انسان شود ، خواه این نقد حق باشد و خواه باطل و خواه از ناحیه دوست باشد و یا دشمن ، اما قابل ذکر است که این ظرفیت به معنای قبول هر نقدی نیست (اسلامی ، ۱۳۸۳ ش : ۱۱۶-۱۱۵) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند : « حق را از هر کوچک و بزرگی که برای تو می آورد ، بپذیر ، اگر چه دشمن تو باشد . » (کلانتری ، ۱۳۸۵ ش : ۲۵۵) .

نقدپذیری نشانه شخصیت و تواضع و ترازویی برای شناخت انسان با انصاف و واقع نگر است . تلخی نخستین نقد ، با برآیند شیرین آن ، از میان می رود .

امام جواد (علیه اسلام) در ضمن شمارش ویژگی های مومن می فرماید : « مومن ، نقد و نصیحت را می پذیرد » (ابن شبعه حرانی ، ۱۴۰۴ ق : ۱/۳۳۷) . امام سجاد (علیه اسلام) نیز می فرماید : « حق نصیحت کننده آن است که با او نرم رفتار کنی و به سخنان وی گوش فرادهی ، اگر سخن وی درست بود ، خدای را سپاس گویی و اگر سخن او نادرست بود ، با او مهربان باشی » (محمدی ری شهری ، ۱۳۸۹ ش : ۱۰/۵۷) .

بنابر این، نقد ناپذیری ، نشانه نوعی غرور و تکبر است که منشا آن ، خود خواهی ، خود برترینی و یا خود مطلق انگاری انسان است .

### فرآیندی خودانتقادی و محاسبه نفس

#### اشاره

خودانتقادی گرچه اهمیت و ضرورت دارد و سیره علما و بزرگان بوده تا آنجا که فرد صالحی همواره به حسابرسی خود می پرداخت و روزی به خود گفت، شصت سال از عمرت گذشت که ۲۱۵۰۰ روز خواهد بود و اگر روزی یک گناه انجام داده باشی ،

۲۱۵۰۰ گناه کرده ای ، جواب خدا را چه بدهم . او با این حساب گری آن چنان فریاد کشید که از دنیا رفت . ولی بی ضابطه و از روی احساسات نیست . علمای اخلاق فرآیند نقد خویشتن را در پنج مرحله تعریف کرده اند :

### مشارطه

: به این معنا که فرد متدین با خود پیمان بندد تا بر خلاف دستور خدا و شریعت او هیچ عملی انجام ندهد و در ایفای مسئولیت ها کوتاهی نکند ؛ همچنین هر بامداد نفس خود را مخاطب قرار داده و بگوید : تو سرمایه ای جز عمر نداری و آن هم بزودی پایان می پذیرد و اگر از آن بهره بردای نکنی خسران خواهی دید (ملکی تبریزی ، ۱۳۷۲ ش : ۵۴)

### مراقبه

: یعنی مومن در طول روز مراقب نفس و اعمال خویش باشد تا از آنچه با خود عهد کرده ، تخطی نکند . او پس از مراقبه و آگاهی از گناهانی که مرتکب شده درصدد جبران و توبه برخواهد آمد که این از اثرات این مرحله است .

### محاسبه

: گام سوم حساب کشی از خود در پایان روز و هنگام خواب است در این مرحله باید همه کارهای خرد و کلان خود را به طور دقیق واریسی کرد و دخل و خرج مادی و معنوی را سنجید . آنچه در این مرحله مهم است عدم تاثیر تسویف نفس اماره و شیطان است .

تسویف به این معناست که به او القا می کند که خیلی بر خود سخت نگیرد چرا که سال ها برای جبران کردن باقی است این در حالی است که خدا می فرماید : « و سارعوا إلى مغفرة من ربکم » (آل عمران ، ۱۳۳) و نیز امام صادق (علیه اسلام) می فرماید : « طول التّسویف حیره » (نوری ، ۱۴۰۸ ق : ۱۲/۱۲۴)

### معاتبه

: انسان به خاطر انجام گناه و سهل انگاری در کسب معنویت و بی توجهی به انجام وظیفه ای که بر عهده داشته ، خود را ملامت و سرزنش کند و نفس خود را مورد عتاب قرار دهد .

بی تردید معاتبه نفس ، عنایت الهی را در پی دارد و خداوند چنین افرادی را بیشتر مدد می دهد . علی (علیه اسلام) می فرماید : « من كان له من نفسه زاجرا كان عليه من الله حافظ » هر کس خویشتن را (از بدی) باز دارد ، خدا نیز مراقبی بر او می گمارد ( آقا جمال خوانساری ، ۱۳۴۶ ش : ۵/۴۰۴)

### معاقبه

: به معنای تنبیه خویش برای جبران زیان ها است . پس از معاتبه و سرزنش زبانی نفس اماره ، نوبت به تنبیه عملی می رسد که خطاها و کمبودهای گذشته را جبران کند؛ اگر لقمه حرام خورده ، او را گرسنگی دهد یا به روزه داری وادار کند ، اگر نمازش ترک شده قضا نماید و .... این کار نیز به نوبه خود مفید خواهد بود و روند محاسبه را تکمیل می کند . امام علی (علیه اسلام) می فرماید : « من أجهد نفسه في اصلاحها سعد » هر کس خویش را در راه اصلاح نفس به زحمت اندازد خوشبخت می شود ( آقا جمال

خوانساری، ۱۳۴۶ ش: ۲۵۸)

## روش شناسی خودانتقادی

### اشاره

در سخنان و کتب بزرگان، دستور العمل‌های گوناگونی برای محاسبه نفس و اعمال یافت می‌شود که از جمله می‌توان به:

### استمداد از خدا

«قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلِي كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (حج/۱۷) به درستی که خدا بر همه چیز گواه است سید بن طاووس در این باره معتقد است که هنگام محاسبه، با عقل و دل خویش، خدای آگاه به نهان و فرشته نگهبان خویش را حاضر و ناظر ببین و چون شریکی که از جزئیات کارهای شریکش آگاه است و اهل سهل انگاری و گذشت نیست، به حساب خود برس.

نیز آگاه باش که اعضا و جوارح از تو نزد خدا شکایت می‌کنند که آن‌ها را در مسیری که خدا تعیین کرده به کار نگرفته‌ای، تو نیز با آنها مقابله به مثل نما و از آن‌ها به درگاه خدا گله کن و با تضرع بگو: «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف/۲۳)؛ «الَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء/۸۷)

خداوند من تو را خواندم و به تو امید بستم، اگر به من روی آورده و توجه نموده‌ای، رحم فرما و دعایم را مستجاب کن و امیدواریم را تصدیق فرما و اگر هنگام گفتگوی من با مقام ارجمند خویش از من روی گردانیده‌ای، با رحمت بی‌منت‌های خویش بر من رحم آور (سید بن طاووس، ۱۳۷۲ ش: ۲۲۰-۲۱۶)

### محاسبه واجبات

نخستین گام در خودانتقادی، حسابرسی به واجبات الهی اعم از فردی و اجتماعی است. دانشمند اخلاق، ملامهدی نراقی در این زمینه می‌نویسد: باید نخست حساب واجبات را از نفس کشید. زیرا واجبات به منزله سرمایه اصلی آدمی است؛ اگر به خوبی ادا شده سپاسگزار خدا باشد و آمادگی خود را حفظ کند و اگر به جای نیاورده آن‌ها را قضا کند و اگر با کاستی انجام داده، با انجام مستحبات، آن‌ها را تکمیل گرداند (نراقی، ۱۳۶۶ ش: ۳/۹۹).

### محاسبه گناهان

پس از واجبات نوبت به حسابرسی گناهان است. مومن باید در پایان هر روز به افکار و اخلاق و اعمال روزانه خویش نیک بنگرد و اگر گناهی را مشاهده کرد، خویشتن را پس از سرزنش، تنبیه و معاقبه نماید و بسان تاجری که از شریکش حساب می‌کشد، خود را به دادن تاوان ملزم کند.

وظیفه واجب و فوری در برابر هر گناه (خواه صغیر یا کبیر) توبه و اظهار پشیمانی در درگاه ایزدی است؛ زیرا به تعبیر علی (علیه السلام) «الذُّنُوبُ الدَّاءُ وَالدَّوَاءُ الإِسْتِغْفَارُ وَ الشُّفَاءُ إِنْ لَا تَعُودُ» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۴۶ ش: ۲/۷۲) گناهان، بیماری و طلب آمرزش دوا است و درمان آن است که به گناه بازنگردی.

### نگاشتن حساب‌ها

: مرحوم ملا مهدی نراقی در این باره می نویسد: «لازم است بر نفس خویش سخت بگیرد زیرا او (نفس) بسیار شیاد و حيله گر است؛ نخست باید او را در برابر سخنانی که در طول نگاه کردن، نشست و برخاست، خورد و خوراک، سکوت و خاطرات و اندیشه و اخلاقیات بازخواست نمود اگر نفس از عهده پاسخ گوئی به همه مطالبات شرعی و عرفی برآمد، حساب آن روز او تصفیه شده است و اگر نتوانست پاسخگو باشد باید در روزهای آینده بدی هایش را بپردازد.

این بدی ها باید در صفحه دل یا کاغذ مکتوب شود تا فراموش نگردد و زمان استیفای آن سپری نشود.

(نراقی، ۱۳۶۶ ش: ۳/۱۰۰)

## موارد خودانتقادی و محاسبه

### اشاره

بر اساس آیات و روایات هر رفتار، کردار و فکری در آن دنیا مورد حساب قرار می گیرد. «ونضع الموازين القسط لیوم القیامه فلا تظلم نفس شیئاً وإن کان مثقال حبه من خردل أتینابها» (انبیاء/۴۷)؛ «و این تبدوا ما فی انفسکم أو تخفوه یحاسبکم به الله» (بقره/۲۸۴) بر این اساس آدمی در برابر همه حرکات و سکنتات و تفکرات خویش مسئول است و به همین جهت باید به همه کارهای خود رسیدگی کند و خویشتن را در برابر همه چیز بازخواست نماید. در خودانتقادی و حسابرسی آنچه مطرح است شناسایی و بررسی نقاط ضعف و حقوقی است که بر گردن آدمی است و در این فرآیند مورد حسابرسی قرار می گیرد تا به روز قیامت دچار حسابرسی سنگین تر که حتی اگر حقی به اندازه مثقال ذره هم باشد نمی گذرند گرفتار نیاید.

در همین زمینه امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «إن ربّیک لبالمرصّد» (پروردگارت سخت در کمین گاه است) (فجر/۱۴) فرمودند: مرصّد شانه صراط است و اگر کسی حق دیگران را نپردازد از آن عبور نمی کند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۱۰/۴۸۷) حقوقی که بر عهده انسان است به دو قسم مشخص هستند؛ حق الله و حق الناس.

### حق الله

۱-۱ ولایت اهل بیت؛ قرآن مجید درباره حسابرسی مردم در روز رستاخیز می فرماید: «و قفوههم إنهم مسئولون» (صافات/۲۴). رسول خدا در تفسیر این آیه فرمودند: از آن ها درباره ولایت علی (علیه السلام) پرسش می کنند. (ابن بابویه قمی، ۱/۶۴)

۱-۲ نماز؛ پس از ایمان به خدا برترین عمل عبادی است و از حقوقی محسوب می شود که تا آخرین لحظه عمر آدمی باید ادا کند و در محاسبه و رستاخیز نیز رتبه نخست را دارد.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «إنّ أوّل ما یحسب به العبد الصلوة فان قبلت قبل ماسواها» (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ۳/۲۶۸)

۳-۱ قرآن: هدایت تنها در پرتو قرآن امکان پذیر است و آن دستورالعمل های مربوط به زندگی فردی و جمعی را به گونه ای کامل ارائه می کند و عمل به این رهنمودها سعادت و خوشبختی بشر را تضمین می نماید.

هر مسلمانی باید خود را موظف بداند که با تقویت ایمان خود، به اجرای دستورات قرآن اقدام کند، چرا که اگر قرآن در جامعه اسلامی فراموش گردد و تنها زینت بخش مجالس شود، آحاد آن جامعه در محشر مورد بازخواست قرار می گیرند. «وقال الرسول یاربّ إنّ قومی اتخذوا هذا القرآن محجوراً» (فرقان/۳۰)

### حق الناس

: حقوق مردم بر دو گونه است؛ مادی و معنوی.

گاه حقوق معنوی مانند جان و آبرو بسیار مهم تر از حقوق مادی است و اسلام آن‌ها را محترم شمرده است. اهمیت حق الناس تا آنجاست که خداوند آن را مقدم بر حقوق خود قرار داده و تا مردم حقوق همدیگر را نپردازند، خداوند از آنان نمی‌گذرد. امیر مومنان علی (علیه السلام) فرمودند: «جعل الله سبحانه حقوق عباده مقدمه لحقوقه فمن اقام بحقوق عبادالله كان ذلك مؤدیا إلى القيام بحقوق الله» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۴۶ ش، ۳/۳۷۰) خدای سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خود قرار داده است؛ هر کس به (رعایت) حقوق بندگان او قیام کند، چنین کاری به رعایت حقوق الهی می‌انجامد. نتیجه اینکه مومن باید شب و روز در اندیشه حق الله و حق الناس باشد؛ نخست آنکه هیچ حقی را از خدا و مردم در خود انتقادی نادیده نگیرد و خرد و کلان حقوق مردم را پردازد و دیگر آنکه اگر بر اثر نادانی و ندانم کاری حقی را از کسی پایمال نمود پس از آگاهی، بی‌درنگ به جبران آن پردازد.

به درگاه خدا توبه کند و خویشتن رادر همین دنیا محاکمه نماید و پیش از آنکه دستش از اقدام کوتاه شد به چاره اندیشی قیام کند.

### نگاهی به چند حدیث درباره محاسبه نفس و خودانتقادی

۱- امام صادق (علیه السلام): «یابن جندب حق علی کل مسلم یعرفنا أن یرعرض عمله فی کل یوم و لیلۃ علی نفسه فیکون محاسب نفسه فان رای حسنه استتراد منها و إن رای سیئه استغفرمنها لئلا یجزی یوم القیامه»  
بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد لازم است که هر شبانه روز اعمال خود را به نفسش عرضه کند و آن را محاسبه نماید اگر حسنه بود آن را زیاد کند و اگر گناهی بود استغفار نماید، تا روز قیامت رسوا نگردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰ ش (۲): ۲۱).

امام صادق (علیه السلام) در فراز نخست در فرمایش خویش اشاره به وجوب و لزوم محاسبه نفس و عرضه اعمال خویش به نفس، به عنوان داور را دارد؛ طبیعتاً همواره چیزی واجب و لازم می‌شود که حضور و وجودش در برنامه زندگی بشر برای رسیدن انسان به کمال و عدم انحطاط و انحراف از مسیر الهی ضرورت داشته باشد.

بنابر این، محاسبه نفس به عنوان یکی از مؤثرترین عناصر برای کمال انسان مطرح است چه اینکه می‌تواند با سنجش روزانه اعمال، میزان انحراف از مسیر الهی و نیز میزان پیشرفت در مسیر کمال را به روشنی تبیین نماید.

ایشان این فراز از سخن را با قید «بر هر مسلمانی که ما را می‌شناسد» ادامه می‌دهند که علت کاربرد این قید می‌تواند این باشد که اولاً این مطلب نه به این معنا که فقط بر مسلمانان وجوب دارد بلکه چون از آنان انتظار بیشتری می‌رود تا به این عمل پردازند و از طرف دیگر مسلمانان به کمال نزدیک ترند پس وجوب محاسبه به عنوان یکی از عناصر رسیدن به کمال نیز بیشتر احساس می‌شود.

نکته دیگر این قید را می‌توان اختصاص نداشتن وجوب محاسبه فقط بر شیعیان دانست بلکه هر مسلمانی که به طور نسبی با جایگاه، شخصیت، منش و طرز تفکر ائمه آشنایی داشته باشد و بداند که آن‌ها بیهوده سخن نمی‌کنند و از روی حکمت است واجب می‌باشد چه اینکه آشنایی کامل با ائمه برای هیچ انسان غیر کاملی امکان ندارد و منظور از آشنایی در این فراز مورد اعتماد دانستن ائمه و سخنانشان را اطمینان آور بداند هست.

نکته دیگری که در ادامه حدیث به آن اشاره شده «فی کل یوم» است که اشاره به لزوم مداومت در محاسبه نفس با انجام آن در هر روز است؛ در اکثر توصیه‌های ائمه توجه به مداومت و زمان شده است و کاری را که تداوم نداشته باشد تعبیر بیهوده از آن کرده اند و توصیه کرده اند کار کم مداوم بهتر است از کار زیاد غیر تداوم دار.



معصومین به خوبی آگاه اند که اگر محاسبه نفس با نظم مشخصی صورت نگیرد و برنامه روزانه ای برای تداوم آن وجود نداشته باشد قطعاً انجام چنین محاسبه ای چون از روی احساسات بوده و هدفی را دنبال نمی کند، هر قدر هم که کوشش در انجام آن شده باشد به موفقیت دائم نمی رسد و حداکثر موفقیت های مقطعی را تجربه می کند. نیز علت قید به این خاطر است که وسوس شیطانی و تهاجم شیطانی و تهاجم دشمنان از درون انسان (نفس اماره و مسوله) هر روز با شیوه ای جدید به انسان عرضه می شوند و اگر محاسبه نفس به عنوان یک کنترل گر هر روز به ارزیابی نپردازد قطعاً سرانجام شوم عاید انسان می شود حتی اگر به محاسبه قطعی پرداخته باشد.

ایشان در ادامه توجه به کیفیت از محاسبه دارند که باید به گونه ای سخت و دقیق باشد که اعمال حسنه و سیئه و تشخیص آن به روشنی و با حداقل خطا صورت گیرد تا بتوان به افزایش و تقویت اعمال حسنه و زدودن سیئات پرداخت.

منظور این است که بعضاً محاسبه های نفسانی با خطا در تشخیص حسنه از سیئه مواجه می شوند و علتش وجود غباری از تزئینات و تسویلات شیطانی بر اعمال سیئه است که آن ها را زیبا و اعمال حسنه را ناشایست و برگردان نشان می دهد که در این صورت قطعاً محاسبه نفس نه تنها سود ندارد بلکه با ضرر نیز همراه است.

آن حضرت در پایان به یکی از اهداف و کارکردهای محاسبه یعنی عدم رسوایی در قیامت اشاره می فرماید؛ علتش این است که در محاسبه شخصی در دنیا، انسان واقف بر گناهانی می شود که شاید در گذر زمان غبار غفلت بر آن نشسته باشد اگر به این عمل نپردازد قطعاً در قیامت توسط خداوند به محاسبه پرداخته می شود و افرادی که در دنیا به هر نوع دارای کسوت و بزرگی بوده اند در برابر همه با عذابی خوار کننده رسوا خواهند شد و این همان توصیه ای است که بارها شد؛ علی (علیه السلام): «عبادالله زنوا أنفسکم من قبل ان توزنوا وحاسبوها من قبل ان تحاسبوا» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: خ ۴۰) ای بندگان خدا پیش از آنکه اعمال شما را بسنجند و وزن کنند شما خود آن ها را بسنجید، پیش از آنکه اعمالتان حساب رسی شود، از خودتان حساب بکشید.

امام صادق (علیه السلام): «فحاسبوا أنفسکم قبل ان تحاسبوا علیها فان للقیامه خمسين موقفا کل موقف مقدار الف سنه (ثم تلا قوله تعالی) فی یوم کان مقدار الف سنه مما تعدون» (سجده/۴) (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۹۶/۴۳۲)

۲- علی (علیه السلام): «من تعاهد نفسه بالمحاسبه امن فیها المداهنه» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۳۶) هر که با خود پیمان بندد به حساب خویش رسیدگی کند از سهل انگاری ایمن می شود.

علی (علیه السلام) در این سخن شریف اشاره به پیمان بستن با خود برای محاسبه نفس می کنند. نکته ای که در این سخن وجود دارد این است که ماهیت در پیمان بستن وجود یک هدف و قانونی است که دو طرف متعهد به اجرای آن هستند.

در محاسبه نفس نیز از یک سو نفس انسان متعهد می شود که در تشخیص عیوب و نیز ارزیابی آن در فرآیند خودانتقادی از هیچ کوشش دریغ نرزد و صادق باشد و انسان خود نیز متعهد می شود آنچه که مورد نقد قرار گرفته قبول نموده و انتقاد پذیر باشد و نهایت کوشش و دقت را در افزایش حسنات و زدودن سیئات بنماید و این نکته ای است که علی (علیه السلام) با تعبیر پیمان بستن با خود به آن اشاره می کنند؛ در واقع وقتی سخن از پیمان می آید یقیناً ضمانت اجرایی نیز همراه آن است که بر اساس آن دو طرف بر عهدی که بسته اند خواهند ماند و در طی یک فرآیند زمانی و عملی معقول نسبت به انجام وظیفه معهوده مبادرت خواهند نمود.

نکته دیگر در سخنان امیر بیان، علی (علیه السلام) ایمنی از سهل انگاری به طور مطلق و در اثر محاسبه نفس است. ایشان این مطلب را مقید به دنیا یا آخرت نمی کنند و نیز ایمنی از سهل انگاری را در یک جنبه از جوانب کار و زندگی نمی شمرند بلکه با ظرافت و دقت، آن را به طور مطلق بیان می کنند تا اشاره بدین باشد که محاسبه نفس اگر دوام در طول زندگی داشته باشد علاوه بر این که موجب ایمنی از سهل انگاری نسبت به آخرت می شود در همین نشانه دنیا نیز مانع از غفلت انسان می شود و نیز علاوه بر این که موجب ایمنی از غفلت نسبت به اعمال دینی می شود، مایه هوشیاری در برخورد با مسائل اجتماعی،

سیاسی، اقتصادی و ... می‌شود و به نوعی بصیرت‌زا است.

۳- کاظم (علیه اسلام): «لیس منّا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فإن عمل خیرا استراد الله منه و حمد الله علیه و إن عمل شرّا استغفر الله و تاب الیه» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۶) از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند و ببیند اگر کار نیکی انجام داده، از خدا توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند.

امام کاظم (علیه اسلام) در کلامی حکیمانه، ابتدا به محاسبه نفس از دریچه محبت و مودت می‌نگرد و شرط محبت و مودت دو سویه با معصومین را در محاسبه نفس می‌داند. به نظر ایشان تنها امکانی که برای انسان در رسیدن به کمالات وجود دارد، محاسبه نفس دائمی است؛ همچنین باید اشاره نمود که اگر کسی محبت ایشان را داشته باشد، در اعمالش که شاکله و شخصیت وجودی او را می‌سازد، می‌بایست چنان باشد که موجب خرسندی و رضایت آنان قرار گیرد.

باید به گونه‌ای عمل شود که آن‌ها عمل می‌کنند، اگر موسی بن جعفر (علیه اسلام) در مقام خشیت از خدا چنان می‌گریست که محاسن ایشان از اشک، تر می‌شد، دوستدار آن حضرت نیز باید این گونه باشد یا اگر می‌فرماید: «عونک للضعیف أفضل الصدقه» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۱۴) کمک کردن تو به ناتوان بهترین صدقه است؛ مرید ایشان باید به گونه‌ای به کمک مردم ناتوان بشتابد که آن را بهترین کار و صدقه بداند و همچنین آن حضرت به عمل کظم غیظ مشهور است باید دوست دار آن حضرت نیز به کظم غیظ که امروزه بسیار برای جوامع بشری ضروری است مبادرت ورزد.

بنابراین، محاسبه نفس نیز از جمله اعمال موکد ائمه بوده که دوستداران آن حضرات نیز باید با همان تاکید محاسبه داشته باشند. آن حضرت در ادامه بحث از مداومت می‌کنند که در موارد پیشین بدان اشاره شد.

تاکید ایشان بر نقش اساسی و اصلی خدا در انجام یک عمل خیر و شکر او از دیگر نکات این سخن است؛ ایشان معتقدند انجام بیشتر آن کار را بخواه، حال آنکه اگر فردی در انجام فعلی سهیم نباشد چگونه می‌تواند مایه ازدیاد انجام آن شود ایشان همچنین به سپاسگذاری خدا برای انجام فعل نیک اشاره می‌کنند که یقیناً منظور شکر حقیقی علاوه بر شکر صوری است؛ در فرآیند شکر حقیقی می‌بایست همواره خدا را صاحب و ولی خود دانست و از انجام اعمال خیر غره نشد؛ ضمن اینکه اصل سپاسگذاری مایه دوام آن فعل و حالت است و افعال خیر نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در فراز پایانی امام کاظم (علیه اسلام) به اثر بخشی محاسبه نفس تاکید دارند که باید به توبه بیانجامد و صرفاً به تشخیص و اطلاع از افعال نیک و بد سرانجام نیابد بلکه همان طور که با استعانت از خدا و حمد حقیقی او به افزایش افعال نیک باید مبادرت نمود، با استغفار از خدا و توبه حقیقی او می‌بایست به زدودن و کاستن از انجام امور ناشایست اقدام کرد؛ علی (علیه اسلام): «من حاسب نفسه وقف علی عیوبه و أحاط بذنوبه و استقال الذنوب و اصلح العیوب» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۲۱۵) هر کس به محاسبه نفس خود بپردازد، از عیب‌ها و گناهان خویش آگاه می‌شود، چنین فردی سرانجام در زدودن گناه و اصلاح عیوب خود موفق خواهد شد.

۴- رضا (علیه اسلام): «من حاسب نفسه ریح و من غفل عنها خسر» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۸/۳۵۲) آن کس که نفسش را محاسبه کند، سود برده و آن کس که از محاسبه نفس غافل بماند زیان دیده است.

حضرت رضا (علیه اسلام) در این سخن اشاره به (ریح) و (خسر) به عنوان دو کلمه و اصطلاح متضاد می‌کنند.

باید توجه نمود که سود و زیان اشاره شده، بدون قید دنیا و آخرت ذکر شده که نشان از اختصاص نداشتن سود و زیان آن صرفاً برای آخرت یا دنیا است و نیز باید به عدم به کار بردن قیدی در این سود و زیان به این که در چه چیزی مایه سود و یا زیان است نیز توجه مبذول داشت.

به واقع محاسبه نفس و ارزیابی افعال خویش در طول روز هم جنبه مادی و هم معنوی می‌تواند داشته باشد چه اینکه در جنبه مادی ، انسان با خودانتقادی ، می‌تواند نقاط ضعف و قوت خود را در تعاملات اجتماعی و کاری با دیگران و نیز روابط خانوادگی را به درستی شناسایی کند و نسبت به اصلاح عیوب مادی اقدام نماید .

در جنبه معنوی نیز ارزیابی اعمال و افکار و سنجش میزان فاصله شان با مسیر قرب الی الله مطرح است که به هر ترتیب اگر خودانتقادی به شیوه صحیح صورت پذیرد ، هم در روابط و افعال دنیوی و هم در اعمال اخروی تاثیر اساسی دارد و می‌تواند مایه خسران و یا سعادت و سود انسان را در هر دو دنیا فراهم آورد .

علی (علیه اسلام) : « من حاسب نفسه سعد » (تمیمی آمدی ، ۱۴۱۰ ق: ۷۸۸۷ ح) هر کس نفس خود را محاسبه کند خوشبخت شود .  
 ۵- رسول الله (صلی الله علیه و آله) : « لا یكون الرجل من المتقین حتی یحاسب نفسه أشد من محاسبه الشریک شریکة » (حرعاملی ، ۱۴۰۹ ق: ۱۶/۹۶) آدمی از پرهیزگاران نمی‌شود مگر اینکه حساب رسی او از نفسش سخت تر از حساب کشیدن او از شریکش باشد .

در اندیشه دینی تقوا به معنای منع کردن نفس از هرگونه بدی و آلودگی و پیروی از دستورات الهی در تمام جهات زندگی است . تقوا الهی راه فلاح ، نجات و کسب خیر دنیا و آخرت است (زینلی ، ۱۴۱۸ ق: ۷/۷۷) امام حسن (علیه اسلام) می‌فرماید : « تقوا درب هر توبه و سرآغاز هر حکمتی می‌باشد و هر عملی با تقوا شرافت می‌یابد و هر کس از پرهیزکاران نجات یافته به وسیله تقوا بوده » (دشتی ، ۱۳۷۲ ش : ۵/۱۴۴)

از این عبارات اهمیت تقوا به خوبی روشن می‌شود ، رسول خدا در این سخن خود شرط متقی شدن و رسیدن به درجه تقوی الهی را محاسبه نفس میدانند و معتقدند که تا محاسبه صورت نپذیرد ، تقوی هم اتفاق نمی‌افتد و این نشان از اوج اهمیت محاسبه نفس است .

در واقع محاسبه نفس مقدمه ای برای تقوی است چه اینکه حالت وقایه و خود نگه داری و پرهیزکاری اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه انسان بر عیوب خویش واقف شود و بنابر سخن معصومین این مهم جز از طریق محاسبه نفس امکان رخ دادن ندارد .

علی (علیه اسلام) : « من حاسب نفسه وقف علی عیوبه » (آقا جما خوانساری ، ۱۳۴۶ ش : ۵/۲۹۹) هر کس به حساب نفس خود رسیدگی کند به عیوبش آگاه شود .

رسول خدا در ادامه به سخت گیری بر خود در محاسبه اشاره دارند و نکته ای را بیان می‌دانند که انسان باید ابتدا به سخت گیری برخورد توجه کند و نفس خویش را تادیب نماید سپس به حساب کشیدن از دیگران پردازد .

این مهم چیزی است که امروزه کمتر به آن توجه می‌شود و اگر هر فرد برای نفس خود نگهبان و حسابرس باشد دیگر احتیاجی به حسابرسی افراد از یکدیگر نخواهد بود و ناهنجاری های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد .

۶- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) : « أکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت و أحمق الحمقی من أتبع نفسه هواه و تمنى علی الله الأمانی » (مجلسی ، ۱۴۰۳ ق: ۷۷/۴۰) زیرک ترین زیرک ها کسی است که به حساب خود برسد و برای بعد از مرگ کار کند و احمق ترین احمق ها کسی است که از خواسته های نفسانی پیروی کند و آرزوهای (باطل) را از خداوند درخواست نماید .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این فرمایش خویش اشاره به زیرکی و حماقت می‌فرمایند و معتقدند که انسانی که به حساب خود رسیدگی می‌نماید و برای بعد از مرگ کار می‌کند زیرک ترین زیرک ها است .

یقیناً نیز همین طور هست چه اینکه فرد زیرک همواره در هر کاری سعی می‌کند با آنالیز آن کار و با ارزیابی توانایی و فرصت ها کمترین اشتباه و ضرر را ببیند و بیشترین سود را عاید خود کند .

همچنین نباید فراموش کرد که فرد زیرک دوراندیش است و بر اساس نگاه به آینده تصمیم می‌گیرد و سعی می‌کند برای رسیدن به هدفی در آینده که به دنبال آن است تمام جوانب خوب و بد را در نظر بگیرد و با تمام توان در مسیر آن بکوشد. در طرف دیگر انسان احمق همواره در تشخیص سره از ناسره دچار اشتباه است؛ او خوب را بد و زشت را زیبا می‌بیند و سپس در تصمیم‌گیری نیز دچار اشتباه و ناتوانی است.

انسان احمق هیچ‌گاه دوراندیشی نمی‌کند و به اهداف نزدیک آن هم به طور اتفاق و نه با تشخیص قبلی بسنده می‌کند. حالا اگر زیرکی و حماقت در مسائل دینی و مباحث مربوط به ارتباط انسان با خدا باشد قطعاً حساسیت بیشتری خواهد داشت که پیامبر گرامی اسلام نیز با تعبیر زیرک‌ترین و احمق‌ترین سعی در نشان دادن حساسیت داشته‌اند.

بنابراین کسی که به محاسبه نفس پرداخته و بر اساس آن برای آینده بعد از مرگش تدبیر می‌کند، زیرک‌ترین و کسی که به تبعیت از هوای نفس پرداخته و در غفلت به سر می‌برد و صرفاً به خیال پردازی و ترسیم آرزوهای باطل می‌پردازد و توقع اجابت آن‌ها را نیز از خداوند دارد از احمق‌ترین‌هاست.

۷- علی (علیه السلام): حاسبوا باعمالها و طالبوها بأداء المفروض علیها و الأخذ من فوائدها لبقائها و تزودا و تأهبوا قبل أن تبعثوا «تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ح ۴۹۳۴» به حساب اعمال نفس خود رسیدگی کنید و از آن بخواهید که وظایف خود را انجام دهد و از آن جایی که رفتنی است برای آن جایی که ماندنی است بهره‌گیرید و پیش از آنکه برانگیخته شوید توشه بردارید و خود را آماده کنید.

علی (علیه السلام) در این سخن گوهر بار پس از دستور محاسبه نفس، اشاره به وظایف نفس می‌کنند که از آن بخواهید تا وظایف خود را انجام دهد. نفس انسان هم می‌تواند مایه سعادت و کمال او را فراهم کند و هم شقاوت و ضلالت را مهیا نماید. نفس هم می‌تواند نماینده خدا در انسان و هم نماینده شیطان در انسان باشد.

بنابراین نفس دارای کارکردهای مختلف است، از جهتی می‌تواند نفسی مطمئن و لوامه و ملهمه و مسوی باشد و از طرفی نفس اماره به سوء و مسوله باشد.

اما آنچه علی (علیه السلام) از وظایف نفس در نظر دارند همان حالت محاسبه النفس و لوامه می‌باشد؛ که در این صورت ایشان معتقدند باید نفس به وظیفه کنترل و حسابرسی از اعمال و نیز به سرزنش‌گری نسبت به اشتباهات پردازد و از طرفی پس از کنترل و حسابرسی و سرزنش‌گری، اسبابی را فراهم نماید تا انسان به پشتوانه نفس مطمئن بتواند به اعلی درجات سوق کند و ملکوت آسمان‌ها و زمین را مشاهده نماید.

ایشان در ادامه التفات دارند به بحث فانی بودن این دنیا و اعمال دنیاییش و از طرفی به ماندگار بودن آخرت توجه می‌نمایند. منظور این است که باید نفس را متنبه کرد که این دنیا و اعمالش فانی است مگر آن زمان که به قصد تقرب به خدا صورت گیرد که این باعث می‌شود تا اولاً نفس در محاسبه اعمال این عقیده را میزان قرار دهد و از طرف دیگر دچار تسویف نشود و بداند که این دنیا بقایی ندارد و هر آن امکان دارد فرد به پایان عمرش برسد و اگر به خود در محاسبه اعمال سخت نگرفته باشد و توبه نکرده باشد قطعاً دچار خسران خواهد شد.

ایشان در پایان این سخن اشاره به نکته‌ای می‌کنند که توشه برداری از دنیا تا قبل از آغاز رستاخیز و قیامت ادامه دارد و با مرگ این فرآیند اخذ نیکی‌ها و بدی‌ها پایان نمی‌پذیرد و انسان می‌تواند از طریق باقیاتی که در دنیا می‌گذارد که صالح است یا باطل به توشه برداری اقدام کند و نیز خیرات و مبرات دیگران در باب فرد در برزخ همچنان مفید است.

۸- سجاد (علیه السلام): «یا بن آدم إنک لا تزال بخیر ما کان لک واعظ من نفسک و ما کانت المحاسبه من همک» (حر عاملی، ۱۳۶۴ ش: ۹۶/۴۳۳) ای فرزند آدم، تو تا زمانی که خود واعظ خویش باشی و به محاسبه (اعمال) خویش پردازد، پیوسته درخیر و

خوبی به سر خواهی برد .

زین العابدین (علیه اسلام) در ابتدای کلام خویش اشاره به فرزند آدم بودن می کنند؛ در حالی که می توانستند از دیگر اسامی و القاب برای مخاطبین استفاده کنند. اما به کار بردن این ترکیب اشاره به این دارد که شما فرزندان آدم (علیه اسلام) اگر همچون او باشید که وقتی دچار ترک اولی شد و به دنیا هبوط فرمود، به خود آمد و واعظ خویش شد و از آن به بعد به سرزنش خویش پرداخت و توبه نصوح کرد و به همین جهت مورد مغفرت حق تعالی قرار گرفت و همچنان در مقام نبوت و سعادت باقی ماند؛ قطعاً شما نیز مشمول مغفرت الهی و رسیدن به سعادت خواهید شد .

همچنین این ترکیب اشاره به شمولیت این توصیه به همه مردم جهان با هر آئین و مکتبی است که قطعاً اگر به محاسبه صحیح نفس پردازند در اولین فرصت آئینی بهتر از اسلام و تشیع نیابند و به آن بگرایند .

در ادامه به رابطه مستقیم مداومت در محاسبه نفس با خیر و سعادت اشاره می شود که تا زمانی که به محاسبه نفس مداومت ورزیده شد، خیر و خوبی نیز پیوسته خواهد بود .

قطعاً منظور از خیر و خوبی نیز هم برکت و خوشبختی در این دنیا و هم منزلت و سعادت دائمی در آخرت است .

۹-رسول خدا (صلی الله علیه و آله): « و علی العاقل ما لم یکن مغلوباً آن تکون له ساعات ، ساعه یناجی فیها ربّه و ساعه ینحسب فیها نفسه و ساعه یتفکر فیها صنع الله و ساعه یخلو فیها بحظ نفسه من الحلال» ( حر عاملی ، ۱۳۶۴ ش : ۹۶/۴۳۴) بر شخص خردمندی که مغلوب و مقهور نگشته ( سرگرم دنیا طلبی نشده ) سزاوار است که ساعات خود را تقسیم کند ، ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذراند و در ساعتی از نفس خود حساب بکشد و در ساعتی به نیکویی هایی که خداوند با او نموده است اندیشه کند و ساعتی را به بهره بردن نفسش از حلال خلوت کند .

پیامبر محاسبه نفس را بر هر انسان عاقل و خردمندی که مغلوب و دیوانه و مسحور و نیز سرگرم دنیا طلبی نشده سزاوار میدانند چه اینکه انسان عاقل کسی است که سعی میکند با کنترل و ارزیابی کارها حداقل آسیب را بپذیرد و با حداکثر بهره مواجه شود . بنا بر این، استفاده از محاسبه نفس به عنوان یک ابزار کنترل و ارزیابی اعمال خویش برای شخص عاقل سزاوارتر است از دیگران چه اینکه به توسط محاسبه ، با نقص های خویش آشنا می شود و سعی در دفع آن می نماید .

نکته دیگر در این سخنان عاقل بودن به شرط مغلوب نشدن است؛ گرچه می توان این غلبه را دیوانگی یا مسحور شدن دانست ولی باید مغلوب نشدن و عاقل ماندن را سرگرم دنیا طلبی نشدن دانست چه اینکه دنیا دوستی و دنیا پرستی است که هر انسان عاقل را دچار مستی و سستی می کند و هوش و عقل آدمی را از او می گیرد .

در ادامه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با اشاره به تقسیم ساعات زندگی به چهار دسته می کنند؛ که محاسبه نفس یکی از آن هاست . این می تواند دو پیام داشته باشد ، نخست اینکه محاسبه نفس در ساعتی مشخص از زندگی انسان جای گیرد یقیناً موجب نظم در این عمل و به تبع آن موفقیت در کار خواهد بود و نیز نباید فراموش کرد که دوام محاسبه را نیز با خود به همراه دارد و همان طور که پیش تر گفتیم بر اساس فرمایش های معصومین اگر فعلی با نظم و دوام همراه باشد هر قدر هم که کم باشد مثمر ثمر خواهد بود .

نکته دوم از این تقسیم ساعات این است که وقتی پیامبر عقلاً را توصیه به تقسیم ساعات زندگی پُر بارشان به چهار دسته می کنند ، بدین معنا است که این چهار دسته از افعال می بایست حساس ترین و ضروری ترین اعمال باشد که در دنیا و آخرت انسان نیاز است که دسته نخست اختصاص به مناجات با پروردگار برای غذای ضروری روح دارد و در مرتبه دوم به محاسبه نفس اشاره می شود که برای عدم انحطاط و از طرفی رسیدن به کمال ضروری است .

در مرتبه سوم به اندیشه ورزی اشاره می شود و در مرتبه آخر به تمتع از نعمات حلال خدا اشاره می گردد.

بنابر این، اهمیت محاسبه نفس در این سخنان دربرابر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) کاملاً نمایان است .

۱۰- ارسول (صلی الله علیه و آله): «لا یكون العبد مومنًا حتى یحاسب نفسه أشدّ من محاسبه الشریک شریکه و السید عبده» بنده مومن (حقیقی) شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب بکشد، آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیق تر از حسابی باشد که شریک از شریک خود و آقا از بنده خود می کشد .

ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۵/۶) و تصدیق توأم با تسلیم و اطمینان خاطر است. (قرشی بنایی، ۱۳۷۷ ش: ۷/۹۶).

بنابراین ایمان حقیقی فقط گفتار نیست بلکه همان طور که امام صادق (علیه اسلام) فرمود: ملعون است ملعون، کسی که بگوید ایمان فقط گفتار است بدون عمل (کلینی، ۱۳۶۲ ش: ۲/۴۰۹) و درباره اهمیت ایمان حقیقی باید گفت که علی (علیه اسلام) می فرماید: انسان به سبب ایمان به سوی مرتبه بالای نیکبختی و نهایت سرور و شادمانی بالا برده می شود (تمیمی آمدی، ۱۴۹۰ ق: ۲۹۸).

بنابر این، ایمان با چنین تعریفی دارای اهمیت والایی است اما پیامبر گرامی اسلام با این وجود شرط مومن بودن را محاسبه نفس می داند و آن را مقدمه ای بر ایمان حساب می آورند .

همان طور که اشاره شد ایمان التزام به لوازم تصدیق یک چیز است همچون تصدیق به وجدانیت الهی و افرادی که به یگانگی خدا ایمان دارند قطعاً به لوازم آن نیز التزام دارند و وقتی اسلام را پذیرفتند می بایست به لوازم آن همچون محاسبه نفس پایند باشند چه اینکه ایمان فقط به حرف نیست بلکه به عمل است و زمانی که محاسبه نفس اتفاق افتد راه های نفوذ شیطان و نفس اماره و تولید گناهان شناسایی می شود و جلوی آن گرفته می شود و موجب مستحکم شدن پایه های اعتقاد به خدا و در نهایت منتج به ایمان می شود.

۱۱- علی (علیه اسلام): «من ساس نفسه أدرك السياسة» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۸۰۱۳ ح) هر کس روح خود را خوب مدیریت کند، به خوبی های مدیریت رسیده است .

علی (علیه اسلام) در این سخن به مدیریت روح اشاره می فرماید و منظور از آن این است که طبیعتاً هر مدیریتی دارای یک فرآیند نظارت و کنترل، فرآیندی در ارزیابی و شناسایی نقاط ضعف و قوت و تیز تدبیر در جهت رفع موانع و زدودن نقاط تاریک و رشد و گسترش دادن نقاط قوت است همچنین دوراندیشی از دیگر شاخصه های یک مدیریت می باشد .

حال اگر آنچه قرار است مدیریت شود، با حساسیت بالایی همراه باشد قطعاً مدیریت آن نیز می باید سخت تر باشد و کسی که بتواند روح را مدیریت کند قطعاً توانایی های یک مدیریت موفق را کسب کرده و به سخن علی (علیه اسلام) به همه خوبی های مدیریت رسیده است .

بنابر این، در این سخن، دو نکته نهفته بود، نخست این که مدیریت روح به نوعی رابطه مستقیمی با محاسبه نفس دارد و نکته دیگر این که اگر کسی بتواند روح سرکش را آرام کند و مدیریت نماید قطعاً توانایی مدیر خوب را کسب کرده و به همه توانایی های یک مدیریت قوی رسیده است .

همان طور که مشخص شد مدیریت چنین امری (روح) یقیناً سخت و طاقت فرسا خواهد بود به همین جهت است که علی (علیه اسلام) آن را با یک معین لازم می داند و می فرماید: «سوسوا أنفسکم بالورع» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۵۵۸۸) روح خود را با پرهیزگاری مدیریت کنید .

تقوی مجمع خیر و فوز و رهایی از هر شری است (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ ق: ۲/۳۶) تقوا وسیله ای برای هموار سازی راه رسیدن انسان به رستگاری و فلاح است چرا که ایجاد حالت وقایه برای نفس و تزکیه آن از ناپاکی ها و رذائل اخلاقی، انسان را به مقام فلاح می

رساند .

بنابراین، چنین ابزاری می تواند به کمک مدیریت سخت روح آید و آن را به آسانی تبدیل نماید .

لازمه مدیریت روح و محاسبه و خودانتقادی تا آنجایی است که علی (علیه اسلام) می فرماید: « من حقّ الملک أن یسوس نفسه قبل جنده » (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۹۳۳) رهبر یک اجتماع باید قبل از سرپرستی سربازانش، روح خود را مدیریت و سرپرستی کند .  
بنابر این، لازمه رهبری یک جامعه آن است که سرپرست آن اجتماع ابتدا روح خود را سرپرستی کند و به محاسبه و خودانتقادی روی آورد؛ قطعاً علت آن را می توان در میزان اثر بخشی فرمان یک رهبر مدیر بر روح خود با یک رهبری که توجهی به نفس خود ندارد مشاهده کرد چه اینکه یک مدیر خود ساخته قطعاً تصمیماتش نیز با کنترل و ارزیابی قبلی توسط نفس همراه است و بعد از انجام آن تصمیم نیز ارزیابی میزان موفقیت عمل پرداخته و در صورت عدم رضایت، خود را سرزنش کرده و مسئولیت ها را به گردن می گیرد.

علی (علیه اسلام) معتقد است که عاقل ترین رهبران کسی است که: « أعدل الملوك من ساس نفس للرعیه بما سقط عنه حجتها و ساس الرعیه بما ثبت به حجتها علیها » (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۳۵۰) عاقل ترین رهبر آن است که روح خود را به گونه ای مدیریت کند که مردم نتوانند هیچ اشکالی بر کارهای او بگیرند و مردم را چنان سرپرستی کند که حجت را بر آن ها تمام کرده باشد .

منظور از «مردم نتوانند هیچ اشکالی بر کارهای او بگیرند» در واقع به گونه ای روح خویش را مدیریت کند و مورد محاسبه و انتقاد قرار دهد که کمترین اشکالی در کارهای او ظاهر باشد تا مردم بخواهند از او اشکال و انتقاد کنند و بنابر این، (هیچ اشکال) را باید عدم وجود اشکال در ظاهر و به گونه ای که جمع کثیری از مردم متوجه آن شوند تعبیر کرد و علت آن را در ادامه می فرمایند که بتوانند طوری مردم را سرپرستی کند که چون مردم نتوانسته اند اشکال عمده ای از او بیابند و او نیز به درستی به وظیفه خود عمل کرده پس باعث می شود که اتمام حجت با مردم بکند و مدعی شود که هر آنچه در توان بوده انجام داده است .

۱۲- علی (علیه اسلام): (و قد سئل عن کیفیة محاسبه النفس): «إذا أصبح ثم أمسى رجع إلى نفسه و قال: یا نفس إن هذا یوم مضی علیک لا- یعود إلیک أبداً و الله سائلک رسول الله فیها أفئیته ، فما الذی عملت فیہ؟ أذکرت الله أم حمدته؟ أفضیت حق أخ مؤمن؟ أنفس عنه کربته؟ أحفظته بظهر الغیب فی اهله وولده؟ أحفظته بعد الموت فی مخلفیه؟ أكففت عن غیبه أخ مؤمن بفضل جاهک؟ أأعنت مسلماً؟ ما الذی صنعت فیہ؟ فیذکر ما کان منه، فإن ذکرناه جرى منه خیر، حمد الله عزّو جل و کبره علی توفیقه و إن ذکر معصیة أو تقصیراً استغفر الله عزّو جل و عزم علی ترک معاودته» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۷۰/۱۶) وقتی که یک روز را به پایان رساند به روحش خطاب کند که ای روح! امروز که بر تو گذشت، دیگر هرگز بر نخواهد گشت بخدا سوگند! مامور الهی، از تو خواهد پرسید که امروز را چگونه گذراندی؟ چه کارهایی کردی؟ آیا به یاد خدا بودی؟ آیا حقوق مومنان را رعایت کردی؟ آیا مسلمانی را یاری نمودی و ... پس اگر بگویند که کار خیری انجام دادم، خدا را سپاس گویند و اگر معصیتی مرتکب شده باشد، از خدا طلب آمرزش کند و تصمیم جلدی بر ترکش گیرد .

علی (علیه اسلام) در این سخنان پُر بار خویش اشاره ای به چگونگی و کیفیت و فرآیند محاسبه و خودانتقادی دارند . نخست آن حضرت بهترین زمان جهت خودانتقادی را پایان یک روز و آغاز شب می دانند . در باب علت و چرایی این زمان باید گفت که اولاً در شب انسان با یک آرامش ذهنی و جسمی بیشتری نسبت به روز رو به رو است که علتش این است اولاً- طبیعت شب بر اساس آیات قرآن آرامش زا است « وجعلنا اللیل سکناً »؛ ثانیاً دغدغه های فکری انسان ها عمدتاً در باب وظایف و افعال اجتماعی و روابط و تعاملات اجتماعی است که با شروع شب عمدتاً کاهش یا پایان می یابد و نیز به جهت کم بودن جنب و جوش و فعالیت های انسانی در شهر، شب دارای آرامش صوتی و تصویری بیشتری است و همه این موارد باعث می شود تا تمرکز در شب فزونی یابد و

بهتر و کیفی تر بتوان فکر کرد .

علت دیگر انتخاب چنین زمانی برای محاسبه نفس ، اتمام یک روز با انواع افعال و عکس العمل هایی است که توسط انسان ها رخ داده است و روز را باید مجموعه ای از حوادث و اتفاقات کل عمر در مقیاس کوچک دانست . به همین جهت است که وجود محاسبه در شب می تواند با نتایج بیشتری همراه باشد و با جامعیت بهتری بتوان درباره خود قضاوت کرد .

آن حضرت در ادامه به گذران عمر و عدم بقای آن اشاره می کنند و معتقدند که نفس را باید نسبت به کوتاهی زمان دنیا وعده بازگشت ساعات و آنات انسان حساس کرد تا نکند به تسویف و امروز و فردا کردن در عمل به وظایف گرفتار آید . ایشان در ادامه معتقدند که انسان باید در جریان محاسبه نفس چند شاخصه را در نظر داشته باشد ؛ نخست یاد خدا و حمد او . یاد خدا دارای مراتب متعددی است و نیز شامل ذکر زبانی و حقیقی و قلبی می شود .

آنچه می بایست از این فرمایش امیر (علیه اسلام) برداشت نمود ، ذکر حقیقی و دائم است . بدین معنا که چه مقدار از ساعات روز را به فکر تقرب خدا به افعال و تعاملات پرداخته ایم و نقش خدا باوری در ذهن و قفل و تصمیم ما چه میزان بوده؟ و در بحث حمد نیز باید توجه به ذو مراتب بودن آن بشود این که حمد خود به دو نوع حقیقی و زبانی تقسیم می شود و منظور از (چه میزان از روز را به حمد گذراندی؟) یعنی چه میزان از افکار و اعمال در جهت کسب رضای الهی بوده که قطعا اگر موفق به کسب رضای الهی شده باشی، گذران ساعت را نیز به حمد حقیقی الهی پرداخته ای .

در ادامه علی (علیه اسلام) به رعایت نمودن حقوق برادران دینی اشاره می فرمایند که قطعا چون حقوق مومنان نسبت به هم ذو مراتب است ، شمولیت این حقوق قطعا گسترده خواهد بود .

ایشان در ادامه به یاری نمودن و عون نسبت به مسلمان دیگر اشاره می فرمایند که معونت و دستگیری چون دیگر موارد دارای انواع و اقسام است ممکن است فردی به ظاهر در حال کمک به مسلمان دیگری نیست ولی کاری که در حال انجام دادن است و یا فکری که در سر می پروراند به طور غیر مستقیم می تواند گره از کار برادر دیگر مسلمانش باز کند .

در پایان نیز اشاره به نتیجه بخش بودن محاسبه دارند که اگر در این فرآیند کار خیری یافتی خدا را سپاس حقیقی گو و اگر معصیتی مرتکب شده از خدا آمرزش طلب کن و تصمیم جدی بر ترک معاصی بگیری و توبه نصوح کن .

## اثرات و کارکردهای خودانتقادی

### وقوف بر کاستی ها

: وقتی انسان به حساب خود رسیدگی کند، اگر عیب و ایرادی در کارهایش باشد، برایش آشکار می شود، این مطلب در سخنان گوهر بار علی (علیه اسلام) چنین آمده است: «من حاسب نفسه وقف علی عیوبه» (آجمال خوانساری، ۱۳۴۶ ش: ۵/۳۹۹) هر کس به حساب خود برسد ، بر عیب های خویش آگاهی می یابد .

این عیب و کاستی ها امکان دارد ظاهری یا باطنی باشد ، به هر حال پس از محاسبه، برای فرد مشخص می شود که کجای کارش عیب دارد ولی اگر به ارزیابی خود نپردازد ، از چنین دستاوردی محروم خواهد ماند .

### اصلاح خویش

: انسان عاقل ، وقتی به عیب خویش آگاه شد به طور طبیعی نسبت به آن حساس می شود و اگر وجدان بیداری داشته باشد تلاش می کند آن عیب را از خود دور سازد .



علی (علیه اسلام): «ثمره المحاسبه صلاح النفس» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۴۶ ش: ۳/۳۳۴) میوه محاسبه، اصلاح خویش است و همان گونه که آدمی با ایستادن رو به روی آینه، سر و وضع ظاهری خود را مرتب می‌کند، محاسبه و خود انتقادی نیز چون آینه این فرصت را به او می‌دهد که اعمال و رفتار خویش را سامان دهد.

### کسب کمال

: کسانی که به اعمال خویش رسیدگی می‌کنند، خواه ناخواه، راه‌های سقوط و سعود را بهتر می‌شناسند و در نتیجه راه کمال را می‌پیمایند و از گمراهی و سقوط می‌رهند، که نمونه آن را می‌توان متنبه شدن فضیل عیاض دانست که با آیه «ألم یأمن الذین آمنوا» به توبه نصح پرداخت و توانست در اندک زمانی راه کمال را پله پله پیموده و از عرفای بزرگ زمان خود شود.

### خوشبختی

: سعادت و نیکبختی نیز نتیجه سه کارکرد یاد شده است و بدیهی است آن کس که به کاستی‌هایش آگاه شود و آن را اصلاح نماید، به نیک بختی نیز نایل خواهد شد. این کارکرد نیز در سخنان گوهریار علی (علیه اسلام) منعکس شده است: «من حاسب نفسه سعد» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۴۶ ش: ۵/۸۳).

### حسابرسی آسان در قیامت

: در قرآن سخن از حساب سخت و آسان به میان آمده و در قیامت، عده‌ای به سختی و دقت تمام مورد محاسبه قرار می‌گیرند که خود این حساب و کتاب، بسیار رنج‌آور و نوعی عذاب است ولی از برخی نیز با ملایمت و احترام، آسان حساب کشی می‌شود؛ «فأما من اوتی کتابه بيمينه فسوف يحاسب حساباً يسيراً» (انشقاق/۷ و ۸) اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، پس به زودی، به گونه‌ای آسان محاسبه می‌شود.

### افزایش حسنات و آمرزش گناهان

: خودانتقادی، سبب می‌شود که مومن از گناهان و خطاهای گذشته توبه کرده، به جبران بدی‌ها همت گمارد تا در جرگه توبه کنندگان قرار گیرد که محبوب خداوند هستند: «إن الله يحب التوابين و يحب المتطهرين» (بقره/۳۲۲) خداوند، توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.

و از طرفی چون پس از محاسبه و توبه، کارهای نیکو انجام می‌دهد، طبق سنت الهی کار نیک، اثر کار ناشایست را از میان می‌برد؛ «إن الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكري لذاكرين» (هود/۱۱۴)

و بالاتر اینکه محاسبه و توبه واقعی سبب می‌شود مومن، مورد عنایت الهی قرار گیرد و به سبب لطف خدا، حتی سیئات او نیز به حسنات تبدیل شوند. به این ترتیب مومن تواب، پاداشی دوسویه دریافت می‌کند «من تاب و آمن و عمل صالحاً فاولئك يبذل الله سيئاتهم حسنات و كان الله غفوراً رحيماً» (فرقان/۷۰)

### مستولیت پذیری و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی:

باید این مورد را برآیندی بر اثرات قبلی دانست چه اینکه خودانتقادی و کنترل و ارزیابی خویش چون باعث وقوف انسان بر خطاهای خویش می‌شود و سپس به تقویت اعمال نیکو و زدایش اعمال ناشایست می‌پردازد او را فردی مسئول بر خود بار می‌

آورد .

چنین فردی اگر به مداومت این امر اهتمام ورزد بی شک در همه اعمال ، رفتار ، گفتار و حتی تفکرات خویش مسئولیت پذیری را سرلوحه زندگی خود قرار می دهد .

واژه مسئولیت در عرف عام به مفهوم تصمیم گیری مناسب است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می رود ، دست به انتخابی بزند و این انتخاب سبب ایجاد روابط انسانی مثبت ، افزایش ایمنی ، موفقیت و آسایش خاطر می شود ؛ افرادی که احساس مسئولیت می کنند به ابزار ، نگرش ها و منابعی که برای ارزیابی موثر موقعیت ها نیاز دارند ، مجهز هستند و به انتخاب هایی دست می زنند که برای خود و اطرافیانشان مناسب است .

مسئولیت پذیری اغلب به نوعی ارتباط افراد و محیط آن ها اشاره دارد . در مسئولیت پذیری نگرش فرد نسبت به اقداماتی که انجام می دهد ، نیز بخشی از پاسخ او را می سازد.(فیشر و نیجهوف ، ۲۰۰۵: ۱۵۷) .

اقدام مسئولانه مستلزم پاسخی است که بر اساس مقاصد و انگیزه های اقدامات و فعالیت ها ارائه گردد .

باونز ، ادعا می کند که برای پاسخ گو بودن باید فرصت مسئولانه عمل کردن وجود داشته باشد . (پترسون ، ۱۹۷۴: ۸۵) بنابر این ، وقتی انسان مسئولیت پذیر و خود کنترل شد ، دیگر هرج و مرج رفتاری ، فکری و گفتاری در او وجود نخواهد داشت و هر رفتار ، گفتار و فکری بر اساس نظم ، قاعده و با ضمانت پاسخگویی خواهد بود و رعایت هنجارهای خانوادگی ، مذهبی و اجتماعی خواهد شد و از ناهنجاری های اجتماعی به شدت کاسته خواهد شد .

## نتیجه گیری

انسان موجودی است کمال گرا و دارای اهداف گوناگون لکن آن هدفی که او را موجودی بی هدف و عبث قرار نداده چیزی جز عبودیت خدا به معنای تام خود و با رعایت مراتب آن و تقرب به خداوند که مایه سعادت و کمال جاودانه او می شود نیست . او برای رسیدن به این هدف می باید خود را از آلودگی های گناه دور نگه دارد و به پاکیزی های اعمال صالح برساند . این مهم تحقق نمی یابد جز از طریق خود انتقادی و محاسبه و کنترل خویش که در روایات از آن به عنوان مایه سعادت ، شرطی برای تقوی و ایمان و مسلمان بودن تعبیر شده که دارای روش مشخصی است و بهترین زمان برای آن ابتدای شب بنا بر فرموده علی (علیه السلام) است .

آنچه از فرمایشات ائمه بر می آید ؛ اگر فرآیند خود انتقادی به طور صحیح و کامل و مداوم صورت گیرد منتج به احساس مسئولیت فردی و جمعی و کاهش آسیب های ناشی از تکثر گناهان می شود چه اینکه فرد را از غفلت و روزمرگی در انجام گناه بازداشته و به اعمال صالح عادت می دهد .

چنین ابزار مهمی که می باید در جوامع امروز مورد توجه قرار می گیرد و حضورش بیشتر احساس می شود متأسفانه از سوی بد خواهان انسانیت مورد غفلت قرار می گیرد که می طلبد پژوهشگران دینی در جهت مخالفت و مقابله با آن ها گام برداشته و به پژوهش های بیشتری در این حوزه اهتمام ورزند و موضوعاتی چون ، خود انتقادی و نقش آن در توسعه جوامع انسانی ، گونه شناسی خودانتقادی (به فردی ، به اجتماعی و ...) ، بررسی مفهومی خودانتقادی در اسلام و مکاتب روانشناسی و جامعه شناسی ، خود انتقادی و مصادیق آن در قرآن و حدیث ، انتظار و ارتباط آن با خودانتقادی و ... اهتمام ورزند .

والحمد لله و سلام علی عباده المنتجبین و الصالحین .

- ۱- قرآن مجید
- ۲- آبر کرامی، نیکولاس، درآمدی بر جامعه شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸ ش
- ۳- ابن بابویه قمی (مشهور به شیخ صدوق)، ابی جعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق
- ۵- ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المدیدی تفسیر القرآن المجید، قاهره، ۱۴۱۹ ق
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق
- ۷- اسلامی، سید حسن، اخلاق نقد، چاپ اول، قم، معارف، ۱۳۸۳ ش
- ۸- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح خوانسار بر غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش
- ۹- بستانی، فواد افرا، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ ش
- ۱۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق
- ۱۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح تاج اللغة، چاپ اول، بیروت، دارالعلم، ۱۳۹۹ ق
- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، جهاد النفس، چاپ اول، تهران، انتشارات ناس، ۱۳۶۴ ش
- ۱۴- حقانی زنجانی، حسن، پژوهشی در ارزش های اخلاقی، تهران الزهراء، ۱۳۸۳ ش
- ۱۵- دشتی، محمد، نهج الحیاه، چاپ اول، قم، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ۱۳۷۲ ش
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش
- ۱۷- زحیلی، وهبه بن مصطفی، التفسیر المنیر فی القصیده و الشریعه، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۸ ق
- ۱۸- زرین کوب، عبدالحسین، آشنایی بانقد ادبی، چاپ ششم، تهران، سخن، ۱۳۸۰ ش
- ۱۹- سید بن طاووس، علی بن موسی بن جعفر، فلاح السائل، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش
- ۲۰- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق
- ۲۱- شریفی، احمد حسین، مقاله آیین زندگی، قم، نشریه معارف، شماره ۱۳۸۵، ۲۳ ش
- ۲۲- صفایی حائری، علی، روش نقد، قم، لیل القدر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش
- ۲۳- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق
- ۲۴- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن المجید، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش
- ۲۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش
- ۲۶- طوسی، محمد بن محمد نصیر الدین، اخلاق ناصری، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، بی تا
- ۲۷- کلاتری، علی اکبر، اخلاق زندگی، چاپ اول، قم، معارف، ۱۳۸۵ ش
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش
- ۲۹- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالفکر، بی تا
- ۳۰- قریشی بنایی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش
- ۳۱- قمی، عباس، سفینه البحار، چاپ اول، نجف، مطبوعه علمیه، ۱۳۵۵ ش
- ۳۲- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۰ ش
- ۳۳- مصباح یزدی، محمد تقی، پندهای امام صادق به رهپویان صادق (ع)، موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۰ ش

- ۳۴- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدر، ۱۳۶۸ش
- ۳۵- معلوف، لوییس، المنجد الابدی، تهران، فقیه، ۱۳۶۳ش
- ۳۶- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، چاپ اول، قم، المعتر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق
- ۳۷- مقرئ البیهقی، احمد بن علی، تاج المصادر، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵ش
- ۳۸- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ نهم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷ش
- ۳۹- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق
- ۴۰- ملکی تبریزی، جواد بن شفیع، رساله لقاء الله، چاپ اول، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۲ش
- ۴۱- نراقی، مهدی، جامع السعادات، چاپ دوم، تهران، حکمت، ۱۳۶۶ش
- ۴۲- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، آل البیت، ۱۴۰۸ق

### منابع لاتین:

- ۴۳- Fiss cher, o...and Nishof, A. (۲۰۰۵), "Emplicarion of business ethics for quality management
- ۴۴- Peterson, E. (۱۹۷۴) "consumerism as a retailers asset, Havard Business Review, May/June

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند  
 بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹  
 بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.  
 مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

(الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 (ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 (ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 (د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

(ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

